

تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی - ایرانی در اندیشه مقام معظم رهبری

علیرضا سمیعی اصفهانی^۱ حسین خادم پیر^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین بخش‌های حیات اجتماعی و فرهنگی جوامع، سبک و سلوک زندگی است. هر جامعه‌ای شیوه و سبک حیات خاص خود را داراست که با خصوصیات اجتماعی، اعتقادی، دینی و فرهنگی مردم آن سرزمین هماهنگی و سازگاری وافری دارد. جایگاه سبک زندگی بومی و محلی در رشد و پیشرفت جوامع به حدی است که دیگر عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از سبک و سلوک زندگی ساکنان آن جامعه نشأت می‌گیرد. مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی، علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است که اخیراً و در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان مهم و راهبردی خود، به بررسی این مقوله تحت عنوان «سبک زندگی اسلامی» پرداختند، مقوله‌ای که تا قبل از این، کمتر در فضای نخبگان ما به آن پرداخته شده بود. اما از آن تاریخ به بعد، پرداختن به آن در بین رسانه‌ها، نخبگان جامعه، فضاهای علمی و دانشگاهی و مجموعاً در بسیاری از محافل داخل، به شکلی واضح گسترش پیدا کرد و هرکس در حد توان و بضاعت خود، این موضوع را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. هدف از نوشتار حاضر بررسی و تحلیل سبک زندگی اسلامی - ایرانی در اندیشه مقام معظم رهبری است. بر این اساس سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که سبک و الگوی زندگی اسلامی - ایرانی در اندیشه ایشان چه جایگاهی دارد؟ با کنکاش در تفکر و بیانات ایشان می‌توان دریافت که تمدن نوین اسلامی دارای دو بخش ۱- ابزاری که دربردارنده مواردی چون: علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و نظایر آن و ۲- بخش اصلی و متنی تمدن یا همان بخش نرم‌افزاری تمدن که شامل موارد چون: خانواده، سب ازواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگو مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار. بنابراین، «سبک زندگی اسلامی» بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌باشد. روش پژوهش این نوشتار کیفی از نوع تحلیلی-توصیفی با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی خواهد بود.

کلید واژه‌ها: سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تمدن اسلامی - ایرانی، مقام معظم رهبری.

۱- مقدمه

مفهوم «سبک زندگی» عنوانی است شناخته شده در بیشتر علوم انسانی در سطح بین‌الملل، لیکن از زاویه‌های متعدد به آن نگاه می‌شود. مؤلفه‌های شناخته شده آن در دنیای علمی امروز، عبارتند از: فعالیت‌های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، و آرامش و ... که هر کدام به منزله بزرگ‌راهی از راه‌های زندگی افراد شمرده می‌شوند. سبک زندگی، شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به وسیله آن پی می‌گیرد. این شیوه‌ها، حاصل دوران کودکی فرد است. به عبارت دیگر، سبک زندگی بعد عینی و کمیت‌پذیر شخصیت افراد است. مطالعات در باب سبک زندگی، بیشتر از نوع توصیفی و

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران: Asamiei@mail.yu.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران: Hossien1363@ymail.com

هنجاری است، لیکن در جامعه اسلامی ممکن است این مسأله نیز مطرح شود که سبک زندگی افراد و گروه‌ها، چه قدر با آموزه‌های اسلامی منطبق است؟ آیا می‌شود افراد و گروه‌ها را از این جهت درجه‌بندی کرد؟ برای مثال، آیا مردم متدین ایران، پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، سبک زندگی کاملاً اسلامی دارند؟ آیا اساساً نظریه سبک زندگی دینی که با موضوعات مهمی، مثل انسان کامل، انسان سالم، معیار بهنجار و ناهنجار، پیشگیری و درمان و ... ارتباط مستقیم دارد، شناسایی و تحلیل شده است؟ اولین بار آلفرد آدلر از بین روانشناسان سبک زندگی را مطرح کرد، سپس توسط پیروان او گسترش یافت. آنان سبک زندگی، شکل‌گیری آن را در دوران کودکی، نگرش‌های اصلی سبک زندگی، وظایف اصلی زندگی و تعامل آن‌ها با یکدیگر را به تفصیل بحث کرده و آن را در قالب درخت سبک زندگی نشان داده، مفاهیم ارزشی و انسان‌شناختی و فلسفی را مطرح کرده و تمام زندگی را به صورت یک پارچه به تصویر کشیدند. آدلر بر خلاف بسیاری از روانشناسان، علاوه بر نگاه توصیفی، نگاهی ارزشی و تجویزی هم به روانشناسی داشت. آن‌چه رویکرد آدلر به روانشناسی، با آنچه آن را «رویکرد اسلامی» نامیده می‌شود، چند مشابهت دارد؛ بعضی از مشابهت‌ها عبارتند از: ۱. توجه به ارزش‌ها ۲. کل‌نگری ۳. غایت‌گرایی ۴. جهت‌یابی فردی ۵. خود خلاق ۶. جبرگرایی ملایم ۷. نظریه میدان اجتماعی ۸. تلاش برای برتری ۹. اولویت دادن به هشیاری ۱۰. معیارهای آسیب‌شناسی و درمان ۱۱. تأکید بر پیشگیری ۱۲. کارکردهای سبک زندگی.

اما در اسلام و سبک زندگی آن، تفاوت‌ها و برتری‌هایی نیز وجود دارد. مثل: ۱. توجه و عدم توجه به دوره جنینی ۲. تعریف کهنتری و مهتری واقعی ۳. معیارهای احساس کهنتری و مهتری ۴. تعداد و جایگاه نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی ۵. مبتنی بودن و نبودن بر دین ۶. جایگاه اراده در شکل‌گیری سبک زندگی ۷. عدم توجه کافی و صحیح به نگرش معنویت ۸. کیفیت عمل کردن به سبک زندگی و ...

مهم‌ترین نوآوری در مفهوم سبک زندگی اسلامی این است که به آموزه‌های اسلام و کلیت اسلام نگاه شده است. سبک زندگی اسلامی، با تمام زندگی افراد و ابعاد آن مرتبط است. سبک زندگی اسلامی، از جهتی با دیگر سبک‌های زندگی متفاوت است. در جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم پزشکی و روانشناسی بالینی و ... نیز بحث از سبک زندگی مطرح است، اما در این قلمروها فقط به رفتاری خاص می‌پردازند و با شناخت‌ها و عواطف ارتباط مستقیم برقرار نمی‌کنند. اما سبک زندگی اسلامی، از آن جهت که اسلامی است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. بر این اساس، هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. در سبک زندگی از دیدگاه روانشناختی، جامعه‌شناختی و علوم پزشکی تنها به رفتار نگریسته می‌شود، اما در هیچ یک نیت افراد، شناخت‌ها و عواطف آنان محسوب نمی‌شود. سبک زندگی اسلامی، نمی‌تواند بی‌توجه به نیت‌ها باشد. مانند نماز، که اگر اعتقاد به خداوند و معاد را پشتوانه خود نداشته باشد، رفتار اسلامی محسوب نمی‌شود.

برای معرفی سبک زندگی اسلامی، می‌توان به «درخت سبک زندگی» اشاره نمود. آدلر و پیروانش سبک زندگی هر فرد را از شکل-گیری تا پیامدها و آثارش به یک درخت تشبیه کرده اند:

۱. ریشه‌های این درخت همان ریشه‌های سبک زندگی است که شکل‌گیری آن را بیان می‌کند؛ ۲. ساقه این درخت درباره اعتقادات و نگرش‌های کلی افراد (شامل اعتقادات و عواطف و حتی آمادگی رفتاری و غیره) است. شاخه‌ها و سرشاخه‌های این درخت، وظایف زندگی هستند. در حقیقت، سبک زندگی واقعی همان شاخه‌ها و سرشاخه‌هاست. سبک زندگی اسلامی (سرشاخه‌ها) در سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی مطرح می‌شود. یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین بخش‌های اندیشه‌ها و راهبردهای رهبر انقلاب اسلامی طرح بحث جدید، جذاب و جالب شاخصه‌های «سبک زندگی اسلامی» و «سبک زندگی غربی» از سوی ایشان باشد. پس از کلیدواژه‌های «تهاجم، شبیخون و ناتوی فرهنگی»، «عبرت‌های عاشورا و بحث خواص و عوام»، «جنبش نرم‌افزاری، تولید علم و نهضت آزاد اندیشی» و ... اکنون در آستانه دهه پیشرفت و عدالت و در آغاز ورود به مرحله چهارم از مراحل پنجگانه ۱- انقلاب اسلامی ۲- نظام اسلامی ۳- دولت اسلامی ۴- جامعه اسلامی و ۵- دنیا و تمدن نوین و شکوهمند اسلامی، رهبر حکیم و

دوران‌دیش انقلاب در قامت یک نظریه‌پرداز مسلط به واقعیات کشور، بحث تئوریک، انتقادی و دقیقی را با عنوان «سبک و فرهنگ زندگی» کلید زدند. در این نوشتار برانیم تا به تحلیل این مقوله در اندیشه ایشان بپردازیم.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مفهوم شناسی پژوهش

۲-۱-۱- چیستی و ماهیت سبک زندگی

بحث از آئین و روش زندگی در ادیان الهی یا بشری، به مفهوم عام، از دیرباز مطرح بوده است؛ اما موضوع «سبک زندگی» به عنوان یک اصطلاح، در گذشته به صورت مستقل مطرح نبوده بلکه بخشی از محتوای آن (با تسامح در معنی) در ضمن مسائل دیگر مانند آئین و آداب زندگی، برنامه زندگی و... عنوان شده است. خاستگاه بحث «سبک زندگی» با این عنوان خاص، به عالم غرب بر می‌گردد؛ که از عمر آن حدود صد و اندی سال می‌گذرد. این مفهوم در آغاز با مباحث طبقه و منزلت اجتماعی پیوند خورده بود. در اوائل قرن بیستم، از یک سو «سبک زندگی» فرصت تبیین‌هایی غیرمارکسیستی را فراهم کرد و از سوی دیگر بسیاری از جامعه‌شناسان، این اصطلاح را گویاتر از شاخصه‌های رایج در مطالعه طبقه‌بندی اجتماعی دانستند. در غرب کارهایی در این موضوع صورت پذیرفته که به‌عنوان نمونه می‌توان به دیدگاه‌های آدلر، وبلن، زیمل، هوتن، کانل و بورديو اشاره کرد؛ که برخی از آن‌ها به طور صریح و برخی دیگر تلویحاً این موضوع را مورد مطالعه و ملاحظه قرار داده‌اند. طرح علمی این موضوع برای نخستین بار در روان‌شناسی، از سوی آلفرد آدلر بود و سپس پیروان او آن را گسترش دادند.

«سبک زندگی» از دهه ۱۹۹۰ میلادی مورد اقبال بیشتری قرار گرفت و آثار و مقالات مختلفی با رویکردهای متمایز در این زمینه به رشته تحریر درآمده است. برخی آثار مکتوب فارسی نیز در این زمینه منتشر شده است. (اباذری، ۱۳۸۱: ۳۵).

مطالعه و پژوهش در موضوع سبک زندگی بیشتر به عنوان یک حوزه مطالعاتی «بین‌رشته‌ای» تلقی می‌شود. ورود دانش پزشکی و دین‌شناسی به این حوزه نیز شاهدهی بر مدعای فوق است. سبک زندگی به عنوان دانشی نوپدید و فراگیر، ظرفیت مسأله‌سازی در حوزه‌های مختلف عمل و زندگی از یک طرف و علم و نظر از طرف دیگر را داشته و دارد.

این موضوع اگر با نظر به خاستگاه، پیدایش و رشد اولیه آن در سده گذشته مورد ملاحظه قرار گیرد، طبعاً در بستر و فضای مدرنیته غربی با مبانی و معیارهای تمدن غربی و لیبرال دموکراسی و فرهنگ مصرف‌گرایی و توجه به جلوه بیرونی و نمود ظاهری، همراه است. ورود این مفهوم به فضای فرهنگ دینی به ویژه در اسلام، طبعاً این واژه را دستخوش تفاوت‌هایی در زاویه نگاه به آن خواهد نمود، چرا که مبانی و معیارهای ادیان آسمانی در تقابل کامل نسبت به مدرنیته غربی قرار دارد. طبیعی است که در این فضای جدید تعریف مفاهیم نیز باید با تکیه بر این مبانی و ارزش‌های معنوی صورت پذیرد. واژه «سبک زندگی» مقسمی است برای اقسام و انواع سبک‌های مختلفی از زندگی با رویکردهای متفاوت، مانند سبک زندگی اسلامی، غربی، شرقی و یا سبک زندگی در روانشناسی، جامعه‌شناسی و... در مجموع آن‌چه از مفهوم سبک زندگی معمولاً در نوشتار، گفتار، رسانه‌ها و به ویژه در فضای مجازی و اینترنت به تصویر کشیده می‌شود، بیشتر ناظر به همان جلوه‌های بیرونی و خارجی حیات و تمدن غربی از قبیل مد، دکوراسیون، الگوی مصرف و مفاهیمی از این قبیل می‌باشد (مجدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۲-۱۳۱).

۲-۱-۲ سبک زندگی

معادل واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی «Style» است. عبارت «سبک زندگی» در شکل نوین آن (life style) اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی در سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد. این عبارت به منظور توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در کتاب‌های لغت انگلیسی، این واژه در معانی کم و بیش مشابهی به کار برده شده است: «سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در بر

می‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها، همه و همه، تصویرها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند. «روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ را سبک زندگی گویند.» (خوشنویس، ۱۳۸۹: ۱۰). «روشی که یک فرد یا گروهی از مردم براساس آن کار و زندگی می‌کنند: یک زندگی سالم و راحت، بخش سبک زندگی مجله (= بخشی از آن که با لباس‌ها، فرصت‌ها، عادات... ارتباط دارد)» (گریگوری، ۱۹۷۶: ۹۷).

«آلفرد آدلر» از این اصطلاح برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده کرد. سبک زندگی هدف فرد، خودپنداره، احساس‌های فرد نسبت به دیگران، و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می‌شود. «لیزر» (۱۹۶۳م) سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کند. به نظر وی سبک زندگی نشان‌دهنده شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی و نشان‌دهنده شیوه‌ای است که مصرف‌کننده در آن خرید می‌کند و به شیوه‌ای که کالای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب‌دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است (ربانی، ۱۳۸۷: ۲۳). از دیدگاه «سویل»، سبک زندگی عبارت است از «هر شیوه متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن» (رسولی، ۱۳۸۲: ۵۴). «سولومون» اعتقاد دارد که هر جامعه‌ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد. در جوامع سنتی انتخاب‌های مبتنی بر مصرف به شکل گسترده‌ای براساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می‌شود؛ در حالی که در جوامع مدرن به هر حال مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیت‌هایی هستند که به نوبه خود هویت اجتماعی را خلق می‌کنند (چاوشیان، ۱۳۸۱: ۲۴).

«سازمان بهداشت جهانی» سبک زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: «اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل و دخانیات و...) است که در پی فرایند جامعه‌پذیری به وجود آمده است.» (شوشتری زاده، ۱۳۸۲: ۸۴).

بنابراین در موضوع «سبک زندگی»، با طیف وسیعی از لغات و اصطلاحات مواجهیم که هر کدام براساس بینش و نگرش خاص محققان، مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در تعاریف جامعه‌شناسانه بیشتر بر هنجارهای اجتماعی افراد و توصیف نگرش و منش اجتماعی افراد در جامعه تأکید می‌شود و در روان‌شناسی بیشتر به بعد فردی و شخصیتی می‌پردازند.

۲-۱-۳- سبک زندگی اسلامی

قطعاً هر پدیده، زمانی می‌تواند اسلامی باشد یا از مصادیق سبک زندگی اسلامی به شمار رود که در معارف و سنت اسلامی ریشه داشته باشد. در واقع سبک زندگی اسلامی، آن بخش از رفتارهایی است که افزون بر آن که نباید با فقه و شریعت مخالف باشد، باید منظومه فکری، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی مسلمانان برآید. بی‌تردید برای بی‌همتایی و منحصر به فرد سبک زندگی اسلامی، نیازمند ویژگی‌های مشترک موجود در همه سرزمین‌های اسلامی یا بخشی از آن‌ها هستیم که بر مبانی و سنت یکپارچه مسلمانان متکی باشد. این ویژگی‌ها فراتر از زمان‌ها و مکان‌های گوناگون به هویت خاصی از فرهنگ اسلامی می‌انجامد. در واقع در تعریف سبک زندگی اسلامی نیازمند شاخص‌هایی هستیم تا مرز میان سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی سکولار را مشخص سازد، نه این‌که تنها منطقه مجاز رفتار و اعمال را برای ما بیان کند. قلمر حلیت و جواز لزوماً به معنای اسلامی بودن نیست و عنوان اسلامی بودن تنها بر اموری صادق است که ویژگی‌ای از معرفت و اندیشه اسلامی در آن وجود داشته باشد. از این رو برای تعریف سبک زندگی اسلامی نمی‌توان تنها به آن بسنده کرد و افزون بر آن، به چیز دیگری هم نیاز داریم. در واقع سبک زندگی اسلامی اصطلاحی است که تنها بر بخشی از رفتارها و کنش‌ها صدق می‌کند، نه بر هر رفتار و اعمال مجاز؛ و فقه که عهده‌دار کشف

مرزها و چارچوب‌های مجاز و حلال در فعالیت‌های انسان از متون دینی است، به تنهایی درصدد تحقیق‌بخشی و تبیین اصول و روش‌های سبک زندگی اسلامی نیست و نسبت به سبک زندگی اسلامی در به وجود آمدن این دسته از اعمال، خنثی است. از این رو شاید مباحث فقهی در تبیین قلمرو شرعی سبک زندگی کمک کند، اما شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی نیازمند کوشش اندیشمندان مسلمانی است که به توصیف مبانی اسلامی در رفتار و کنش مسلمانان بپردازد (موسوی گیلانی، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۰).

۲-۲ دیدگاه‌های نظری در مورد سبک زندگی

۲-۲-۱ پیر بردیو و سبک زندگی

بر اساس رهیافت نظری بردیو، سبک‌های زندگی متفاوت افراد، به بازتولید ذائقه‌ها و در نتیجه، منش متمایز می‌انجامد، زیرا سبک زندگی، همان فضایی است که کنش‌گران در ذیل آن می‌آموزند چگونه زندگی کنند، چه چیز را ارجح بدانند و در نهایت، چه چیز را زیبا بشمارند. بدین ترتیب، بردیو در کتاب (تمایز)، به تبیین رابطه میان ذائقه زیباشناختی و زمینه اجتماعی آن می‌پردازد و می‌گوید که دعای کانت، مبنی بر نوعی زیباشناسی ناب و منتزع از حیات اجتماعی را، با توجه به داده‌های فراهم آمده از گروه‌های اجتماعی مختلف نقد نماید، زیرا مطالعات میدانی، تفاوت‌های عظیم ذائقه را نشان می‌دهند و این تفاوت‌ها، با نگرش فرازمانی کانت توضیح‌پذیر نیست. در نهایت، می‌توان گفت که مدرنیته، میل به تمایز دارد، میل به تکوین منش‌های متمایز از یک سو، و میل به تکوین میدان‌های متمایز از سویی دیگر. بنابراین، بردیو با هرگونه اندیشه انتزاعی خداحافظی کرده و با درک و دریافتی نوآیین نسبت به واقعیت اجتماعی، به تبیین کنش در قالب نظریه عمل می‌پردازد (پرستش، ۱۳۸۶: ۴۹). همچنین وی در کتاب (تمایز)، بر حسب منطق دیالکتیکی نشان داده است که مصرف، صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز هست. مفهوم تمایز، به معنی مجموعه‌ای متفاوت از رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه است که به دلیل موقعیت‌های متفاوت در برخورداری از سرمایه و قرار گرفتن در میدان‌های اجتماعی گوناگون ظاهر می‌شود. به باور بردیو، همه آن‌چه که سلیقه فرهنگی، انتخاب‌های هنری و... نامیده می‌شود؛ و کاملاً طبیعی و ناشی از قریحه‌های ذاتی افراد شمرده شود، ممکن است رابطه مستقیم و قابل اثباتی با وضعیت و موقعیت اجتماعی افراد داشته باشد (فکوهی، ۱۳۸۴: ۵۴).

بدین‌سان، در دیدگاه بردیو، ذائقه‌ها و ترجیحات زیباشناختی گوناگون، سبک‌های زندگی متفاوتی را ایجاد می‌کنند؛ سبک زندگی محصول نظام‌مند منش‌هایی است که از خلال رابطه دوجانبه با رویه‌های منش درک می‌شود، و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به گونه‌ای جامع مورد ارزیابی واقع می‌شود. در واقع، این‌گونه که بردیو می‌گوید، مصرف به عنوان نظامی از نشانه‌ها و نمادها است که کارکردهایی همچون؛ تمایزگذاری اجتماعی دارد، البته به نظر بردیو، معنای مصرف از همین تفاوت و تمایز ناشی می‌شود و چیزی جز آن نیست. از این‌رو، در دیدگاه بردیو، مصرف، تنها پاسخ به نیازهای زیستی نیست، بلکه به عنوان مکانیسمی از نشانه‌ها و نمادها است که، البته خود این نشانه‌ها و نمادها، از خلال فرایند مصرف تولید می‌شوند. لذا در اندیشه بردیو برخلاف مارکسیسم کلاسیک، مصرف صرفاً یک متغیر وابسته نیست. بلکه یک متغیر مستقل نیز می‌تواند باشد (بردیو، ۱۹۸۴: ۷۸). بنابراین، از نظر بردیو، تمایزاتی که سبک زندگی فراهم می‌کند در ذوق و سلیقه افراد نهفته است. ذوق و سلیقه، در وهله اول و قبل از هر چیز، بی‌میلی و اکراه نسبت به سلايق و علايق ديگران است. دليل اين امر آن است که؛ اعمال و رویه‌های فرهنگی (مثل پوشیدن لباس جین یا توپید، بازی گلف یا فوتبال، بازدید از موزه یا نمایشگاه اتومبیل، گوش دادن به موسیقی جاز یا تماشای سریال‌های کمدی، و کارهایی نظیر آن)، معنی اجتماعی خود، و قابلیت مشخص ساختن تفاوت و فاصله اجتماعی را از برخی ویژگی‌های ذاتی خود نمی‌گیرند، بلکه آن را کسب می‌کنند (چاوشیان، ۱۳۸۱: ۹۷).

۲-۲-۲ گیدنز و سبک زندگی

تأکید گیدنز در رهیافت نظری خویش، بر اهمیت محوری فرآیندهای اجتماعی بازتابی است. به عبارت دیگر، از نظر وی، عاملیت در متن نظم و ترتیبات جامعه مابعد سنتی تبدیل به یک پروژه بازتابی می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲). از این منظر است که گیدنز،

سبک‌های زندگی را به عنوان یک پروژه بازتابی تعریف می‌کند. از نظر وی، بازتابی بودن سبک‌های زندگی بدین معنی است که؛ هر سبک زندگی در متن خود معنایی ضرورتاً باز و نامتعیّن دارد. لذا قطعی نبودن معنای سبک زندگی، یعنی نفی امکان تبیین کامل معنا توسط تعیین‌کننده‌های ساختاری، و بازتابندگی اشاره دارد به اینکه؛ معانی فعالیت‌های سبک زندگی اساساً توسط نیروهای کلان جامعه تعیین نمی‌شود، بلکه طی فرآیند دادوستد عملی زیست-جهان‌های متمایز، معانی روش‌های استفاده از مواد و مصالح نمادین مصرف انبوه، مبدل به اشیاء و اعمال ملموسی می‌شوند که استعارهای برای خودشان است. بازتابندگی، اشاره‌ای است به استفاده از اطلاعات مربوط به شرایط فعالیت، به عنوان ابزاری برای تنظیم و تعریف مجدد و قاعده‌مند معنا و چپستی رفتار(گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۶).

گیدنز معتقد است که؛ ویژگی خاص مدرنیته، پویایی تأثیرات جهانی و تغییرات پیوسته در رسوم سنتی است. مدرنیته سبب می‌گردد که افراد، هر چه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که سنت به طور معمول در اختیار آن‌ها قرار می‌داد رها شوند و بدین ترتیب، فرد را «رودرروی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به دلیل آن که دارای کیفیتی غیرشالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل آورد یاری دهد» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۹).

در مجموع، گیدنز سبک زندگی را مجموعه‌ای کم و بیش جامع از کارکردها تعبیر می‌کند که فرد آن‌ها را بکار می‌گیرد، تا از طریق آن، هم نیازهای جاری خود را برآورده سازد و هم، روایتی ویژه را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم سازد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۸-۱۴۵).

۳- ضرورت و جایگاه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی

سبک زندگی به تمامی اصول و مبانی که متن و بطن حیات اجتماع و انسان را شکل می‌دهد، اطلاق می‌گردد که از ارزش‌های دینی و عرفی جامعه نشأت می‌گیرد. سبک و سلوک زندگی حاکم بر جوامع؛ نمایانگر فرهنگ، جهان بینی و اعتقادات آن جامعه است که در شیوه و نوع حیات افراد جامعه تبلور یافته است. سبک زندگی، نوع دیدگاه و باورهای اصیل و اعتقادات مردم را نشان می‌دهد. شیوه و نوع زندگی مردم مهم‌ترین بخش از عرصه حیات اجتماعی را تشکیل می‌دهند، از این رو پیروی مردم یک جامعه از سبک و شیوه زندگی اصیل و بومی لازمه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است. سبک زندگی ایرانی - اسلامی آغاز و مقدمه‌ای برای تمدن سازی نوین اسلامی و در نهایت تحقق پیشرفت و توسعه ایرانی - اسلامی است. پیروی از سبک زندگی اسلامی و درونی‌سازی آن در بطن جامعه، آغازی برای اجرای اصول دینی و تحقق آرمان‌ها و اهداف اسلامی در جامعه می‌باشد. لازمه این امر تبعیت از احکام و فرهنگ دینی و پرهیز از الگوهای غربی سبک زندگی است. رواج ارزش‌های غربی و فرهنگ بیگانه در جامعه، مانعی در مسیر رشد و توسعه بوده و موجب غفلت از هنجارهای اجتماعی و فرهنگ دینی و در نهایت عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی می‌گردد^۱.

یکی از مهم‌ترین دلایل نیاز به تمدن‌سازی نوین اسلامی، تهاجم فرهنگی غرب و تحمیل سبک زندگی غربی در جوامع اسلامی است. با توجه به اینکه ارزش‌ها و فرهنگ غربی با هنجارها و اعتقادات جامعه ما در تضاد می‌باشد، بسط سبک زندگی غربی مانعی بزرگ در مسیر تحقق پیشرفت و توسعه تلقی می‌گردد، از این رو گسترش سلوک حیات دینی از ضروریات جامعه می‌باشد؛ یعنی اینکه ارائه تفسیری توحیدی از زندگی بر مبنای خدامحوری متفاوت از سبک زندگی انسان مدارانه‌ی غربی است.

برای تثبیت جامعه اسلامی با تمامی خصوصیات و شاخص‌های مربوط به خود می‌باید شیوه و سلوک زندگی اسلامی نیز در بطن جامعه درونی گردد. بدین معنا که اصول و احکام دینی زمانی می‌تواند به طور کامل در جامعه اجرا شود که سبک زندگی اسلامی در بین اعضای جامعه گسترش یابد. اگر الگوها و شیوه‌های زندگی بیگانه و غربی در جامعه وجود داشته باشد، مانعی بزرگ در مسیر تشکیل جامعه اسلامی و اجرای اصول دینی است، زیرا ارزش‌ها و هنجارهای غیر اسلامی و غربی با فرهنگ و باورهای رایج در

جامعه منافات دارد. از سوی دیگر تحقق اصول و آرمان‌های دینی در جامعه زمینه‌ای برای گسترش سبک و نوع زندگی در جامعه می‌باشد و این دو مکمل همدیگر محسوب می‌شوند.

سبک و سلوک زندگی، متن تمدن‌سازی نوین اسلامی را تشکیل می‌دهد. برای نیل به اهداف و آرمان‌های جامعه و موفقیت در زمینه اقتصادی و سیاسی می‌باید سبک زندگی بومی و دینی را در بین مردم گسترش داد، چنین حیاتی متفاوت از شیوه زندگی غربی است و با ارزش‌های اصیل و هنجارهای بومی سازگاری دارد. آن چیزی که متن زندگی انسان را تشکیل می‌دهد؛ همان سبک زندگی است و بایستی در جهت گسترش آن برنامه‌ریزی‌های لازم را نمود.

سبک زندگی اسلامی و اصیل موجب ارتقای فرهنگ عمومی جامعه و قرارگیری آن در مسیر هنجارها و اصول اجتماعی می‌شود، در این راستا وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی در بین اعضای جامعه افزایش می‌یابد و آنان با پایبندی به معیارها و قواعد سبک زندگی خود می‌توانند انضباط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را ارتقا دهند، چرا که اصول و هنجارهای بیگانه با بطن و کالبد جامعه تضاد داشته و موجب غفلت از فرهنگ اصیل و ارزش‌های بومی در جامعه می‌گردد، متقابلاً پایبندی به سبک زندگی بومی باعث تحقق اهداف جامعه می‌شود.

سبک و شیوه زندگی مؤلفه‌هایی چون تشکیل خانواده و ازدواج، نوع البسه و خوراک، مسکن و معماری، الگوی مصرف، تفریحات و شیوه گذران اوقات فراغت، روش معیشت و کسب و کار، نوع هنر، ادبیات و سینما و... را تشکیل می‌دهد، برای تمدن‌سازی نوین اسلامی باید در هر کدام از این بخش‌ها فرهنگ‌سازی لازم صورت گیرد، تا حیات اجتماعی و نوع زندگی مردم متناسب با باورها و فرهنگ بومی آنان جریان یابد. باید این مسئله را در نظر داشت که موفقیت نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اعتقادی هر جامعه‌ای به هویت‌سازی فرهنگی و اجرای رسوم، اعتقادات و فرهنگ بومی و سنتی آن بستگی دارد. این مسئله را می‌توان در نوع و شیوه زندگی تمامی کشورها مشاهده نمود، چنانکه کشورهای اروپایی در صدد گسترش فرهنگ غربی و شیوه زندگی اروپایی و حتی آمریکایی در دیگر جوامع هستند. از این‌رو با تبلیغات گسترده، فرهنگ و نوع زندگی و ارزش‌های غربی را در جوامع در حال توسعه و شرق بسط می‌دهند (موسوی گیلانی، ۱۳۹۲: ۱۳۰-۱۲۵).

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های نظام و کشورهای غربی توسعه سبک زندگی اروپایی و آمریکایی در جوامع جهان است. غرب خواهان تفکیک سبک زندگی از اعتقادات مردمی و باورهای دینی است تا از این طریق سبک زندگی غربی را در بین مردم مشرق زمین گسترش دهند. زمانی که شیوه زندگی و سلوک اروپایی در جوامع مذهبی و سنت‌مدار شرق گسترش می‌یابد، فرهنگ غرب در طول زمان به فرهنگ غالب و برتر تبدیل گشته و موجب بیگانگی مردم از ارزش‌های دینی و هنجارهای بومی خود می‌شود.

هر جامعه‌ای باید برای حفظ هویت بومی و فرهنگ اصیل خود، شیوه و سلوک متناسب با اعتقادات مردمی و باورهای دینی را ترویج نماید و روش زندگی بومی و سبک حیات خاص خود را در بین مردم درونی سازد تا از فرهنگ و ارزش‌های بیگانه جلوگیری نماید. آگاهی از این مسئله که فرهنگ بیگانه مانعی در مسیر شکوفایی فرهنگی و رشد اقتصادی است، موجب پایبندی اعضای جامعه با اصول اعتقادی و باورهای خاص جامعه خود می‌گردد، زیرا این ارزش‌ها تاریخچه‌ای طولانی در جامعه داشته و با شرایط اجتماعی، فرهنگی، زمانی و مکانی تناسب دارد.

سبک زندگی با وجود آنکه یک بحث فرهنگی محسوب می‌شود، نقش و جایگاه مهمی در تمدن‌سازی دارد و باید برای طراحی بنای چنین تمدنی برنامه‌ریزی نمود، همان‌گونه که کشورهای غربی و اروپایی به مسئله تبلیغات اهمیت زیادی قائل هستند و ارزش‌ها و فرهنگ غربی را تبلیغ می‌نمایند و برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه را دارند، می‌باید برای جلوگیری از فرهنگ بیگانه، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های مورد نیاز را انجام داد.

نوع و شیوه حیات اجتماعی به مثابه روح و بطن کالبد و روبرنای زندگی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد که دارای لایه‌های تئوریک و فلسفی است. نوع و شیوه زندگی کردن مردم اهمیت وافری دارد و نباید تنها به انتقال گفتمان‌ها و آرمان‌ها بسنده کرد، چرا که مردم برای معیشت و معاش خود نیز نیاز به الگو دارند. برای تأمین این نیاز می‌باید مبانی نظری و فلسفی و تئوریک در زمینه سبک

و سلوک زندگی و تمدن‌سازی دینی در جامعه را انجام داد و این امری است که اکثر اندیشمندان و نظریه‌پردازان به آن اعتقاد دارند.^۱

بسیاری از نویسندگان و صاحب‌نظران موفقیت نظام سیاسی، اقتصادی و سازمانی را در هویت‌سازی فرهنگی و سبک زندگی اجتماعی قلمداد می‌کنند. آداب و رسوم، سنن و فرهنگ بومی، اعتقادات و باورهای مردمی بخش مهمی از شیوه زندگی را تشکیل می‌دهند که دیگر ابعاد و عرصه‌های جامعه را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. جوامع غرب و اروپایی با آگاهی از این مسئله وقت و هزینه هنگفتی را در جهت بسط فرهنگ غربی و آمریکایی در دیگر کشورها صرف می‌کنند، تبلیغات رسانه‌ای، ساخت فیلم‌ها، انتشار کتاب‌ها و... از جمله این اقدامات می‌باشد که موجب بسط فرهنگ غرب در مشرق زمین گشته است.

با نگاهی آسیب‌شناسانه به وضعیت فرهنگی و شیوه زندگی جامعه می‌توان دریافت که مشکلات فرهنگی اجتماعی صرفاً ناشی از فرهنگی غرب نمی‌باشد، بلکه ناشی از نبود مبانی نظری و فلسفی و تئوریک در زمینه سبک و سلوک زندگی و تمدن‌سازی دینی در جامعه است. در زمینه سبک زندگی عموم توجه به روبنا و ظواهر زندگی انسان‌ها می‌باشد و در باب مبانی فلسفی و نظری نیازمند نظریه‌ها و دیدگاه‌های تئوریک هستیم، غفلت از مبانی نظری اصلی مهم در زمینه سبک زندگی تلقی می‌گردد. فرهنگ‌سازی در باب سبک زندگی در جامعه می‌باید از سوی مردم و در بطن جامعه صورت گیرد. نهادهای دینی و اجتماعی و سازمان‌های مردمی چون حسینیه‌ها و مساجد نقش مهمی در این زمینه دارند. مردم جایگاه مهم و اساسی در گسترش سبک زندگی اسلامی دارند. در جوامع اسلامی، مردم به نهادهای دینی و اجتماعی اهمیت وافری قائل هستند و همواره در مناسبت‌ها و موقعیت‌های مختلف در این نهادها حضور و مشارکت دارند و این تشکیلات مردمی نقش مهمی در بسط سبک زندگی اسلامی دارد.

۴- مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی - ایرانی در اندیشه مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب اسلامی «سبک زندگی» را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن‌سازی نوین اسلامی خواندند و با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای «پرداختن به این مفهوم مهم، آسیب‌شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره‌جویی در این زمینه» تأکید کردند: پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که بُعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می‌دهد وسیله‌ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی. ایشان، مفهوم پیشرفت را تداعی‌کننده حرکت، راه و صبرورت دانستند و افزودند: در هر برداشتی (چه مادی و چه معنوی) از مفهوم توقف‌ناپذیر پیشرفت، سبک زندگی، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن اهمیت فراوانی دارد. رهبر انقلاب برای تبیین بیشتر اهمیت سبک زندگی به تشریح جایگاه آن در تمدن نوین اسلامی پرداختند و افزودند: اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم این تمدن دارای دو بخش ابزاری - و حقیقی و اساسی خواهد بود که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد.^۲

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تحقق هر دو بخش تمدن نوین اسلامی را ضروری خواندند و افزودند: بخش ابزاری، یا سخت‌افزاری این تمدن، موضوعاتی است که در فضای امروز، به عنوان نمودهای پیشرفت مطرح می‌شود از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و نظائر آن. ایشان، خاطرنشان کردند: در این زمینه البته پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم اما باید توجه کرد که این پیشرفت‌ها، وسایل و ابزاری است برای دستیابی به بخش حقیقی و نرم‌افزاری تمدن اسلامی یعنی سبک و شیوه زندگی.

رهبر انقلاب اسلامی، در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف، اشاره کردند و افزودند: در واقع سبک زندگی به همه مسائلی بر می‌گردد که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به توجه عمیق اسلام به مفهوم

۱- www.rasekhoon.net

۲- www.valiamr.com

سبک و فرهنگ زندگی افزودند: در معارف اسلامی، اصطلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود، مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد. ایشان با تأکید بر اینکه بدون پیشرفت در بخش حقیقی تمدن سازی نوین اسلامی یعنی «سبک و فرهنگ زندگی»، اهداف این تمدن بزرگ محقق نخواهد شد افزودند: متأسفانه ما در این بخش، پیشرفت چشمگیری نداشته و مثل بخش اول یعنی علم و صنعت و نظائر آن پیشرفت نکرده‌ایم.

رهبر انقلاب اسلامی، آسیب شناسی و علت‌یابی در زمینه عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی را ضروری خواندند و با دعوت از اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاه‌های مرتبط با فرهنگ و تعلیم و نیز جوانان خاطرنشان کردند: در این زمینه باید همه به خود نهیب بزنیم و ضمن تلاش جدی برای آسیب‌شناسی، به چاره‌جویی و جستجوی راه‌های علاج بپردازیم. ایشان ابراز اطمینان کردند: اگر گفتمانی در زمینه آسیب‌شناسی و چاره‌جویی مشکلات موجود در سبک و فرهنگ زندگی بوجود آید، با توجه به نشاط و استعداد جوانان، حتماً درخشنده‌گی ملت ایران در این زمینه نیز، چشم جهانیان را متوجه خود خواهد کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با توجه به نو بودن بحث سبک زندگی در ادبیات و فضای گفتمانی کشور، سخنان خود را با نوعی آسیب-شناسی عینی ادامه دادند و به طرح سؤالات متعدد پرداختند.

چرا فرهنگ کار جمعی در ایران ضعیف است؟

چرا در روابط اجتماعی، حقوق متقابل رعایت نمی‌شود؟

چرا در برخی مناطق، طلاق زیاد شده است؟

چرا در فرهنگ رانندگی انضباط لازم رعایت نمی‌شود؟

الزامات آپارتمان نشینی چیست آیا رعایت می‌شود؟

الگوی تفریح سالم کدام است؟

آیا در معاشرتهای روزانه، همیشه به هم راست می‌گوییم؟

دروغ چقدر در جامعه رواج دارد؟

علت برخی پرخاش‌گریها و نابردباریها در روابط اجتماعی چیست؟

طراحی لباسها و معماری شهرها چقدر منطقی و عقلانی است؟

آیا حقوق افراد در رسانه‌ها و در اینترنت رعایت می‌شود؟

علت بروز بیماری خطرناک قانون‌گریزی در برخی افراد و بعضی بخشها چیست؟

چقدر وجدان کاری و انضباط اجتماعی داریم؟

توجه به کیفیت در تولیدات داخلی چقدر است؟

چرا برخی حرفها و ایده‌های خوب در حد حرف و رؤیا باقی می‌ماند؟

ساعات کار مفید در دستگاهها چرا کم است؟

چه کنیم ریشه ربا قطع شود؟

آیا حقوق متقابل زن و شوهر و فرزندان در خانواده‌ها بطور کامل رعایت می‌شود؟

چرا مصرف‌گرایی، برای برخی افتخار شده است؟

و چه کنیم تا زن هم کرامت و عزت خانوادگی حفظ شود و هم بتواند وظایف اجتماعی خود را انجام دهد؟

رهبر انقلاب اسلامی پس از طرح فهرست‌وار این سؤالات افزودند: ده‌ها سؤال و مسأله اساسی دیگر نیز وجود دارد که همه آن‌ها با سبک و فرهنگ زندگی مرتبطند و به علت اهمیت این مسائل در زندگی انسان است که قضاوت در مورد یک تمدن با توجه به پیشرفت آن در بخش سبک و فرهنگ زندگی صورت می‌پذیرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پس از تبیین اهمیت عینی «سبک و فرهنگ زندگی»، به مبانی کارگشای این مبحث از منظر اسلام پرداختند و تأکید کردند: اسلام، «خردورزی، اخلاق و حقوق» را

مایه های اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید بطور جدی به این مقولات پردازیم وگرنه پیشرفت اسلامی و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. ایشان در ترسیم چگونگی شکل‌گیری سبک و شیوه زندگی افزودند: فرهنگ زندگی، متأثر از تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی را برای زندگی تعیین کنیم، سبک خاصی را به همراه می‌آورد.^۱

ایشان، تحقق هدف اصلی تعیین شده در هر «مکتب و نظریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی» را نیازمند اعتقاد و ایمان به آن هدف دانستند و افزودند: بدون اعتقاد جدی و تلاش هیچ هدفی محقق نمی‌شود. رهبر انقلاب در همین زمینه به مغالطه‌ای اشاره کردند که برخی فیلسوف‌نماهای غربی و مقلدان داخلی آن‌ها مطرح می‌کنند. رهبر انقلاب اسلامی افزودند: این افراد می‌گویند جامعه را با ایدئولوژی و مکتب نمی‌شود اداره کرد اما تمام تجربیات تمدن‌ساز، نشان می‌دهد که مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده حرکات عظیم اجتماعی است و بدون داشتن مکتب و ایدئولوژی، و بدون «ایمان و تلاش و پرداخت هزینه‌های لازم»، هیچ تمدنی امکان تحقق نمی‌یابد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: البته برخی کشورها، بدون ایمان به مکتبی خاص، مقلد تمدن غربند. این‌ها ممکن است به پیشرفت‌های صوری نیز برسند اما زیان‌های بی‌انتهای ذلت تقلید، آن‌ها را دچار آسیب‌های جدی می‌کند و ریشه آن‌ها را از بین می‌برد بنابراین اگر طوفانی بپا شود توانایی استقامت ندارند. رهبر انقلاب خاطرنشان کردند: برخلاف این کشورهای مقلد، ملت‌هایی که در مقابل تمدن غرب، مکتب توحید را انتخاب می‌کنند هم به پیشرفت حقیقی و همه‌جانبه دست می‌یابند و هم تمدنی عمیق و ریشه‌دار می‌سازند که فکر و فرهنگ آن‌ها را در جهان گسترش می‌دهد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با انتقاد از کسانی که در محیط‌های شبه‌روشنفکری، ملت ایران را از شعارهای مکتبی می‌ترسانند، افزودند: آن‌ها می‌خواهند ترس و واهمه خود را به مردم منتقل کنند به همین علت مدام می‌گویند شعارهای مکتبی، دردسر و تحریم و تهدید می‌آورد. ایشان افزودند: اگر خوشبینانه به این گفته‌ها نگاه کنیم باید بگوییم این افراد از تاریخ بی‌خبرند. رهبر انقلاب خاطرنشان کردند: در بحث سبک و فرهنگ زندگی، اسلام عزیز همه نیازهای انسان را برآورده می‌سازد و دانشوران حوزه و دانشگاه باید علاوه بر تلاش در فقه و حقوق، در بحث اخلاق اسلامی و عقل و سلوک عملی اسلام نیز کارهای مترکم و با کیفیت انجام دهند تا نتایج این تلاش‌ها مبنای برنامه‌ریزی و تعالیم نسل‌ها قرار گیرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بعد از تبیین ضرورت ایمان به هدف به عنوان یکی از عوامل اساسی تمدن‌سازی، بحث مهم امروز را با تأکید بر یک نکته اساسی دیگر ادامه دادند: پرهیز کامل از تقلید از سبک و سلوک زندگی در تمدن غربی. ایشان خاطرنشان کردند: ما البته بنای بر غرب‌ستیزی نداریم اما براساس بررسی و تحقیق تأکید می‌کنیم که تقلید از غرب، هیچ ملتی را به جایی نمی‌رساند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با استناد به تجربیات مکرر چند قرن اخیر خاطرنشان کردند: فرهنگ غرب، اصولاً فرهنگی مهاجم است و به هر دلیلی در هر کشوری رواج یابد بتدریج فرهنگ و هویت آن ملت را نابود می‌کند. ایشان، با اشاره به عادی شدن گناه بزرگ هم‌جنس‌بازی در غرب، فروپاشی خانواده‌ها و بحران‌ها و مشکلات عمیق دیگر در کشورهای غربی و کشورهای مقلد فرهنگ غرب افزودند: پوسته فرهنگ غربی پیشرفت‌ظاهری است اما، باطن آن «سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آفرین هویت‌زدای ضدمعنویت» است. ایشان، با اشاره به تقلید از فرهنگ غربی در برخی مظاهر زندگی در کشور افزودند: باید با فرهنگ‌سازی لازم، یک حرکت تدریجی در زمینه اصلاح این مسأله ایجاد شود. رهبر انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود، سوء استفاده گسترده غرب از ابزار هنر به ویژه هنرهای نمایشی و سینما را مورد اشاره قرار دادند و افزودند: سیاستمداران غربی با استفاده از این روش، به دنبال سلیقه‌سازی و ترویج سبک زندگی غربی در جوامع دیگر هستند. رهبر انقلاب به استناد تحقیقات به عمل آمده افزودند: آن‌ها در پروژه‌هایی تعریف شده، و با استفاده از جامعه‌شناسان، روانشناسان و مورخان، نقاط ضعف ملت‌ها به ویژه ملت‌های اسلامی را بررسی می‌کنند و با شناخت راه‌های تسلط بر آن‌ها، ساخت فیلم‌های خاصی را به فیلم‌سازان سفارش می‌دهند که در این زمینه همه مسئولان و مردم باید از فرهنگ اصیل خود و کشور، مراقبت کنند.

رهبر انقلاب با اشاره به نکته‌ای دیگر، پرهیز همزمان از «سطحی‌گرایی و تجر» و نیز سکولاریزم را ضروری دانستند و افزودند: برخی حرف‌ها و تبلیغات ظاهر دینی دارد اما در باطنش جدایی دین از زندگی را دنبال می‌کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید

کردند: انقلاب اسلامی دارای توانایی، ظرفیت و انرژی مترادفی است که می‌تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن «ممتاز، متعالی، برجسته و باشکوه» اسلامی را در مقابل چشم همه جهانیان برپا سازد.
 نمودار کلیدواژه‌های رهبری در مورد سبک زندگی اسلامی



نتیجه‌گیری

از جمله وظایف رهبران و اندیشمندان در جامعه دینی به ویژه در عصر جدید، طرح و تبیین نظری الگو و سبک زندگی است، به این معنا که باید درباره چگونه تربیت کودکان و نوجوانان، شیوه شهرسازی و معماری، مناسبات خانوادگی، اجتماعی و سازمانی، ویژگی‌های فردی و جمعی و دیگر ساحت‌های زندگی بیندیشند و الگوهای درست زندگی را که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است، برای جامعه طرح کنند. از سوی دیگر، افزون بر طرح تئوریک و نظری از جانب اندیشمندان و عالمان دینی، نیازمند آن هستیم که نهادها و سازمان‌هایی متولی باشند تا به اجرای و طرح‌ها و الگوهای نظری زندگی بپردازند که این بخش از فعالیت‌ها تنها در جوامعی قابلیت اجرای کامل دارد که دارای حکومت دینی و حاکمانی دغدغه‌مند نسبت به امور اعتقادی باشند؛ چنانچه در جوامع امروز که بسیاری از رهبران کشورهای اسلامی سکولار هستند و چه در مقام نظری در مقام عمل عرصه دین و اخلاق را از عرصه سیاست و حکومت جدا می‌دانند، طبعاً کشوری همچون ایران که برخلاف این تفکر می‌اندیشند، از فرصتی استثنایی و منحصر به فرد برخوردار است؛ زیرا شاید کمتر کشوری همچون ایران باشد که حاکمان و آنان که در عرصه عملیاتی کردن تئوری‌ها هستند، ارتباط تنگاتنگ با اندیشمندان داشته و دست نیاز به سوی آنان دراز کنند تا به طرح مدل‌ها و الگوهای نظری بپردازند. از این رو می‌توان گفت ایران فرصت و شرایط خوبی دارد تا بتواند در آن به تربیت نسل‌هایی از انسان بپردازد که در آینده می‌توانند با الگو و سبک زندگی اسلامی به حیات خود ادامه دهند؛ چنانکه امروزه در برخی کشورهای توسعه‌یافته می‌بینیم فرزندان پس از تولد در محیط-

هایی که برای آنان آماده شده است و نحوه زیستن مشخصی را برایشان تعیین می‌کنند، تربیت می‌شوند و بسیاری از گرایش‌ها، علائق، هنجارها و ارزش‌های خود را ناآگاهانه از الگوهای برمی‌گیرند که دیگران برای آنان تهیه کرده‌اند. در جامعه شیعی ایران می‌توان توقع داشت که متفکران به طرح سبک زندگی اسلامی شیعی در عرصه‌های گوناگون فرهنگ بپردازند، به طوری که پس از بیست سال می‌توان تصور کرد که فرزندان این جامعه و نسل آینده که نیمی از جمعیت دو دهه بعد را تشکیل می‌دهند بر اساس آن الگو تربیت شوند. با این توضیحات و مقدمات که به آن پرداخته شد، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در مقام یک اندیشمند و نظریه‌پرداز به تبیین و تحلیل این مقوله یعنی سبک و الگو زندگی اسلامی طی چند نشست و سخنرانی پرداختند و این مقوله را ذیل پارادایم الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت بیان نمودند که ما سعی نمودیم در این نوشتار به تحلیل این مقوله بپردازیم.

منابع

۱. ابادری، یوسف (۱۳۸۱) "از طبقه تا سبک زندگی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
۲. ابراهیمی و همکاران (۱۳۸۸) "سبک زندگی جوانان: بررسی جامعه‌شناختی سبک زندگی و مؤلفه‌های آن در بین دختران و پسران شهر بابلسر"، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره ۸۱.
۳. پرستش، شهرام؛ جمشیدی‌ها، غلامرضا (۱۳۸۶) "دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی‌یر بوردیو، نامه علوم اجتماعی.
۴. پیروزمند علیرضا (۱۳۸۶). نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، جلد اول، انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی، چاپ اول، تهران.
۵. چاوشیان، حسن (۱۳۸۱) "سبک زندگی و هویت اجتماعی: مصرف و انتخاب‌های ذوقی به- عنوان تمایز و تشابه اجتماعی در دوره مدرنیته اخیر". پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۶. حصیرچی، امیر و عباس نیاوند (۱۳۹۰) "تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی- اسلامی از منظر مقام معظم رهبری"، (رویکرد برنامه ریزی راهبردی در دهه چهارم انقلاب)، فصلنامه مطالعات بسیج، سال چهاردهم، شماره ۵۰.
۷. خوشنویس، ناهید (۱۳۸۹) "رسانه و سبک زندگی"، ماهنامه روابط عمومی ایران، شماره ۱۰.
۸. ربانی، رسول و رستگار، یاسر (۱۳۸۷) "سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، مجله مهندسی فرهنگی، شماره ۲۳ و ۲۴.
۹. رسولی، محمدرضا (۱۳۸۲) "بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون"، مجله علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
۱۰. زمانی، محمدهاشم (۱۳۹۰). مبانی نظری و معرفتی عدالت و پیشرفت، خردنامه عدالت در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، انتشارات همشهری، تهران.
۱۱. زیبایی، حسن (۱۳۹۰). مطالعه‌ای درباره نسبت ماهوی پیشرفت و عدالت؛ پیشرفت به مثابه عدالت، خردنامه عدالت در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت؛ انتشارات همشهری، تهران.
۱۲. شوشتری‌زاده، شهناز (۱۳۸۲). بررسی تأثیر آموزش رفتارهای سلامتی بر تغییر روش زندگی مبتلایان به بیماری عروق کرونر قلب مراجعه کننده به بیمارستان‌های منتخب شهر اصفهان در سال ۱۳۸۲، (پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

۱۳. فکوهی، ناصر؛ انصاری، فرشته (۱۳۸۲) "ارقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی" نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران، نامه انسان شناسی: شماره ۱.
۱۴. گریگوری، جی فیست (۱۹۷۶). نظریه‌های شخصیت، مترجم: یحیی سید محمدی، انتشارات: نشر روان.
۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
۱۶. مجدی و همکاران (۱۳۸۸) "سبک زندگی جوانان شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲.
۱۸. موسوی گیلانی، سید رضی (۱۳۹۲) "چیستی و چرایی سبک زندگی و نسبت آن با دین و مهدویت"، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال هفتم، شماره ۲۵.
۱۹. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۹۰). کارآمدی و عدالت در نظام اسلامی، خردنامه عدالت در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، انتشارات همشهری، تهران.

منابع اینترنتی

۱. اشراقی، میرعماد (۱۳۹۲/۰۵/۰۴)، «سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی» به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی راسخون (<http://rasekhoon.net/article/show/۷۳۷۷۲۵>).
۲. بی‌نام، (۱۳۹۱/۱۲/۱۵)، «سبک زندگی ایرانی اسلامی در مشروح بیانات مقام رهبری»، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی انیب. (<http://onib.ir/News/Item/۲۰۰/۲/۲۰۰.html>).
۳. بی‌نام، (۱۳۹۱/۰۷/۲۳)، «سخنان مهم رهبر معظم انقلاب در حوزه سبک زندگی و تمدن‌سازی اسلامی»، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی قرارگاه فرهنگی ولی امر. (<http://valiamr.com/news.aspx?id=۵۵>).
۴. سلامی، محمدمهدی (۱۳۹۲/۰۵/۱۰)، «جایگاه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی»، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی اندیشکده راهبردی. (<http://tabyincenter.ir/index.php>).
۵. مدیری، (۱۳۹۲/۰۸/۰۲)، «سبک زندگی» پیشینه، واژه و مفهوم‌شناسی»، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی معارف. (www.maarefmags.com).